

۱۴۹۳۷۷۵

راهبردهای کاهش جمعیت زندان‌ها

دکتر علی غلامی

پیمان حسنی

مرکز مطالعات راهبردی و امنیت تحول قوه قضائیه

با همکاری

بنیاد حقوقی میزان



نشر میزان

سرشناسه : غلامی، علی، ۱۳۵۵ مرداد -
 عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام
 عنوان و نام‌پدیدآور : راهبردهای کاهش جمعیت زندان‌ها / علی غلامی،
 پیمان حسنی. برای: قوه قضائیه، مرکز مطالعات راهبردی و
 مدیریت تحول:
 مشخصات نشر : تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶
 مشخصات ظاهری : ۳۶۰ ص.
 فروست : نشر میزان؛ ۱۰۶۷.
 شابک : 978-964-511-866-0
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
 یادداشت : کتابنامه: همچنین به صورت زیر نویس
 موضوع : زندان -- ایران Prisons -- iran
 موضوع : زندان -- ایران -- مدیریت
 موضوع : Prisons administration -- Iran :
 شناسه حروفه : حسنی، پیمان، ۱۳۷۳ -
 شناسه افزوده : مرکز مطالعات راهبردی و مدیریت تحول قوه قضائیه
 رده‌بندی خنک : ۱۳۹۶ غ ۸/۵۶/۵۶/۹۱۹۲ HV
 رده‌بندی دیوپی : ۳۶۵/۸۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۶۶۸۲۰۱

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایو، الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز
 از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده، موارد به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

مطالب این کتاب لزوماً بیانگر دیدگاه‌های معاونت راهبردی قوه قضائیه نیست.

۱۰۶۷

نشر میزان

راهبردهای کاهش جمعیت زندان‌ها

دکتر علی غلامی

پیمان حسنی

چاپ اول: بهار ۱۳۹۶

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۸۶۶-۰

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاوسی‌فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۳۹۱۳۱
 فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، رویروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰
 واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۳، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱
 وبسایت: www.mizan-law.ir mizannasher@yahoo.com پست الکترونیکی:

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	مقدمه مترجمان
۲۶	علائق اختصاصی
۲۸	مقدمه
۲۸	فصل اول: مخاطبان این کتاب
۲۸	فصل دوم: دامنه و مساحت کتاب
۲۹	فصل سوم: مطالب مطرح شده در کتاب
۳۲	فصل چهارم: علت تألیف کتاب حاضر

بخش اول: پیش زمینه

۳۹	فصل اول: ازدحام در زندان در سراسر جهان
۳۹	۱. بررسی اجمالی
۴۵	۱-۱ افزایش تعداد زندانیان با نیازهای ویژه
۴۶	۲. تأثیرات ازدحام جمعیت بر زندان ها
۴۷	۲-۱ کارکنان زندان ها
۴۷	۲-۲ تفکیک و طبقه بندی
۴۷	۲-۳ امنیت و آرامش
۴۹	۲-۴ توانمندسازی زندانیان
۴۹	۲-۵ ارتباط با جهان بیرون
۵۰	۲-۶ تغذیه
۵۰	۲-۷ آب، بهداشت عمومی، فاضلاب و سیستم تهویه (برودتی و حرارتی)
۵۰	۲-۸ خدمات بهداشتی
۵۱	۳. نتایج وسیع حبس نامتعارف
۵۲	۳-۱ هزینه اعمال مجازات زندان
۵۵	۳-۲ زندان و بهداشت عمومی

فصل دوم: علل ازدحام بیش از حد در زندان‌ها.....	۵۸
۱. درصد زندانی شدن و تمایل به ارتکاب جرم.....	۵۸
۲. عوامل اساسی: عوامل اجتماعی-اقتصادی و سیاسی.....	۶۰
۳. موانع و عواملی که دسترسی به عدالت را با تأخیر مواجه می‌سازند.....	۶۲
۴. بازداشت نامتعارف پیش از محاکمه.....	۶۴
۴-۱ تأخیر در فرایند دادرسی قضایی.....	۶۵
۴-۲ استفاده نامتعارف از بازداشت پیش از محاکمه.....	۶۷
۵. سیاست‌های نظام عدالت تنبیهی.....	۶۸
۵-۱ قوانین صدور احکام حداقلی اجباری.....	۶۹
۵-۲ افزایش حبس‌های بلندمدت و حبس ابد.....	۷۱
۵-۳ تزیینات در شرایط آزادی زودتر از موعد.....	۷۴
۶. سیاست‌های کنترل مواد مخدر.....	۷۴
۷. استفاده نامتعارف از زندان.....	۷۷
۸. استفاده نامتعارف از حبس‌های جایگزین.....	۷۸
۹. اقدامات نامناسب برای بازگشت فرد به اجتماع.....	۷۹
۱۰. نقض آزادی مشروع و مشروعیت شرط.....	۸۱
۱۱. یحران ازدحام بیش از حد جمعیت در زندان‌ها.....	۸۱
۱۲. زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های نظامی زندان‌ها.....	۸۲

بخش دوم: راهبردهای کاهش ازدحام جمعیت در زندان

فصل اول: توسعه جامع و مستند راهبردها و کسب حمایت عمومی.....	۹۱
۱. سیاست‌های اجتماعی عادلانه و پیشگیری از جرم.....	۹۱
۲. آزاده سیاسی و راهکارهای جامع اصلاح عدالت کیفری.....	۹۲
۳. سیاست‌های مستند و پاسخگوی نیازهای منحصر به فرد یک کشور.....	۹۴
۴. کسب حمایت عمومی.....	۹۵
فصل دوم: کاهش محدوده اعمال مجازات زندان و توسعه سیاست‌های صدور احکام عادلانه.....	۱۰۰
۱. جرم زدایی و مجازات‌زدایی.....	۱۰۳
۲. زندانی کردن کودکان به عنوان آخرین راهکار.....	۱۰۵
۳. حذف قوانین حداقل مجازات‌های اجباری.....	۱۰۷
۴. محدود کردن اعمال مجازات حبس ابد.....	۱۰۸
۵. توجه سایر احکام قضایی.....	۱۱۰
۵-۱ کاهش مدت زمان محکومیت‌ها.....	۱۱۰
۵-۲ کاهش تأثیر محکومیت‌های پیشین در صدور احکام.....	۱۱۱

۶. معرفی جایگزین‌های حبس	۱۱۲
۷. توجه به ظرفیت زندان‌ها در زمان اعمال بازداشت پیش از حبس یا محکومیت به زندان	۱۱۲
۸. بازبینی قوانین و سیاست‌های مرتبط با مواد مخدر	۱۱۷
۹. کاهش زندانی کردن افرادی که نیازمند مراقبت‌های روانی‌اند	۱۲۰
۱۰. سازوکارهای عفو ملی و آزادی از روی ترحم زندانیان	۱۲۲
۱۱. عفو عمومی	۱۲۳
فصل سوم: افزایش کارآمدی نظام قضایی	۱۳۰
۱. ظرفیت‌سازی برای عاملان عدالت کیفری	۱۳۱
۱-۱. دوره‌های آموزش و استخدام	۱۳۱
۱-۲. ارزیابی عملکرد	۱۳۲
۱-۳. منابع و سرمایه‌گذاری کافی	۱۳۲
۲. افزایش همکاری با نهادهای عدالت کیفری	۱۳۳
۳. ساده‌سازی و تسریع روند رسیدگی قضایی	۱۳۷
۴. اصلاح سامانه‌های مدیریت سابق زندانیان	۱۳۹
۵. بهبود شفافیت و پاسخ‌گویی	۱۴۲
۵-۱. نظارت بر زندان‌ها	۱۴۲
۵-۲. از بین بردن فساد	۱۴۶
فصل چهارم: دسترسی به کمک‌های حقوقی	۱۵۱
۱. دسترسی به وکیل در دوران بازداشت پیش از محاکمه	۱۵۳
۲. دسترسی به مشاوران حقوقی در زمان محاکمه	۱۵۷
۳. دسترسی به وکیل پس از صدور حکم	۱۵۹
۴. افزایش امکان دسترسی به سازوکار کمک‌های حقوقی	۱۶۰
۴-۱. نمونه‌های ارائه کمک‌های حقوقی	۱۶۱
۴-۲. کمک‌های حقوقی همیار کودک	۱۶۳
۴-۳. همکاری با مشاوران حقوقی غیردولتی	۱۶۵
۴-۴. منابع مالی و سرمایه‌گذاری	۱۶۹
۴-۵. منابع مالی و سرمایه‌گذاری	۱۷۰
۵. آگاهی حقوقی و توانمندسازی حقوقی	۱۷۱
فصل پنجم: کاهش بازداشت پیش از محاکمه	۱۷۵
۱. کاهش بازداشت پیش از محاکمه: پیش از اتهام	۱۷۵
۱-۱. کاهش بازداشت‌های خودسرانه و کاهش دوره بازداشت پیش از اتهام	۱۷۷
۲. کاهش بازداشت پیش از محاکمه: پس از اتهام	۱۸۰

۱۸۳	۲-۱ وثیقه (ضمانت).....
۱۸۴	۲-۲ آزادی با تعهد شخصی (به قید وثیقه بی قید و شرط).....
۱۸۷	۲-۳ اقدامات محدودکننده.....
۱۸۹	۳. انحراف از نظام عدالت کیفری.....
۱۹۰	۳-۱ انحراف به سمت شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات.....
۱۹۳	۳-۲ اختیارات پلیس و دادستان.....
۱۹۵	۳-۳ ارتقای مسئولیت.....
۱۹۶	۴. کاهش مدت زمان بازداشت پیش از محاکمه.....
۱۹۹	۵. ملاحظات اقتصادی.....

فصل ششم. جایگزین‌های حبس..... ۲۰۳

۲۰۴	۱. بررسی اجمالی.....
۲۰۸	۱-۱ بایستگی اصول اساسی حقوق بشر.....
۲۰۸	۱-۲ جایگزین‌ها و رواند ابعاد اعمال محکومیت‌ها را افزایش دهند.....
۲۰۹	۲. هدف‌گذاری.....
۲۱۱	۳. اقدامات لازم برای شورای دادگاه استفاده از جایگزین‌ها.....
۲۱۲	۴. تناسب حکم جایگزین.....
۲۲۱	۵. مقررات پس از محکومیت.....
۲۲۱	۵-۱ توسعه یا تقویت مقررات آزادی پیش از موعد.....
۲۲۵	۵-۲ تصمیم‌گیری برای آزادی.....
۲۲۶	۵-۳ پشتیبانی از مجرمان تحت نظارت آزادی مشروط پیش از موعد.....
۲۲۷	۵-۴ لغو آزادی مشروط پیش از موعد.....
۲۳۰	۶. دسته‌بندی‌های ویژه.....
۲۳۱	۶-۱ مجرمان مواد مخدر.....
۲۳۸	۶-۲ مجرمان همراه با نیازهای مراقبت روانی.....
۲۳۹	۶-۳ زنان.....
۲۴۳	۶-۴ کودکان در تعارض با قانون.....
۲۴۶	۷. سازمان‌ها و زیرساخت.....
۲۴۸	۸. اجماع برای اجرای جایگزین زندان.....
۲۴۹	۹. ملاحظات اقتصادی.....

فصل هفتم: کمک به اعاده حیثیت اجتماعی و کاهش تکرار جرم..... ۲۵۵

۲۵۷	۱. بازپذیری اجتماعی در زندان‌های پرازدحام.....
۲۵۷	۱-۱ کاهش آثار مخرب ازدحام در زندان.....
۲۶۵	۲. استفاده از بازپذیری اجتماعی به مثابه راهبردی بلندمدت در کاهش ازدحام در زندان.....

۲۶۵.....	۲-۱ رویکرد و سیاست‌های جامع مدیریت زندان
۲۶۷.....	۲-۲ ارزیابی و برنامه‌ریزی صدور حکم
۲۶۸.....	۲-۳ فعالیت‌ها و برنامه‌های اعاده حیثیت زندانیان
۲۸۰.....	۳. حمایت‌های پس از آزادی و نقش جامعه
۲۸۰.....	۳-۱ آماده‌سازی زندانیان برای آزادی
۲۸۲.....	۳-۲ آماده‌سازی جامعه و بهره‌برداری از سهم آن در توان بخشی و اعاده حیثیت زندانی
۲۸۴.....	۴. ملاحظات اقتصادی
۲۹۱.....	فصل هشتم: مدیریت ظرفیت زندان
۲۹۳.....	۱. ارزیابی برنامه‌ریزی
۲۹۵.....	۱-۱ پیش‌بینی افزایش تعداد زندانیان و تعداد مجرمان
۲۹۷.....	۱-۲ سایر اجزای یک ارزیابی جامع
۲۹۷.....	۲. راهبرد تصمیم‌گیری
۳۰۰.....	۳. به حداکثر رساندن استفاده از ظرفیت موجود زندان‌ها
۳۰۰.....	۳-۱ به حداکثر رساندن ظرفیت سیستم زندان‌ها
۳۰۱.....	۳-۲ به حداکثر رساندن ظرفیت در زندان‌های انفرادی
۳۰۲.....	۴. توسعه یک طرح جامع
۳۰۳.....	۵. راهبرد مدیریت نظام زندان
۳۰۴.....	۶. اصول اساسی برنامه‌ریزی
۳۰۵.....	۶-۱ حداقل کردن محدودیت‌های محیطی
۳۰۵.....	۶-۲ مکان
۳۰۶.....	۶-۳ اندازه و بزرگی
۳۰۷.....	۶-۴ دستگاه ضمانت اجرایی جامعه
۳۱۱.....	فصل نهم: طرح عملی برای کاهش ازدحام جمعیت در زندان
۳۱۱.....	۱. ارزیابی
۳۱۲.....	۲. راهبردهای کوتاه‌مدت
۳۱۲.....	۲-۱ آزاد کردن زندانیان
۳۱۳.....	۲-۲ کاهش تأثیرات ازدحام جمعیت در زندان
۳۱۵.....	۳. راهبردهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت
۳۱۵.....	۳-۱ بهبود سازوکارهای همکاری میان نهادهای نظام عدالت کیفری
۳۱۵.....	۳-۲ ساده‌سازی و تسریع روند رسیدگی قضایی به پرونده‌ها
۳۱۶.....	۳-۳ بهبود دسترسی به کمک‌های حقوقی
۳۱۶.....	۳-۴ اقدام برای کاهش مدت زمان بازداشت پیش از محاکمه
۳۱۶.....	۳-۵ توجه به ظرفیت زندان‌ها در زمان اعمال مجازات حبس و بازداشت

۳-۶ افزایش ظرفیت زندان‌ها.....	۳۱۷
۴. راهبردهای میان‌مدت و بلندمدت.....	۳۱۷
۴-۱ ایجاد سازوکار پایدار و کارآمد کمک‌های حقوقی.....	۳۱۷
۴-۲ کاهش استفاده از بازداشت پیش از محاکمه.....	۳۱۸
۴-۳ معرفی و افزایش میزان استفاده از مجازات‌های جایگزین.....	۳۱۸
۴-۴ بهبود شفافیت و پاسخگو بودن.....	۳۱۹
۵. راهبردهای بلندمدت.....	۳۲۰
۵-۱ تجدید نظر و اصلاح چارچوب‌های قانونی.....	۳۲۰
۵-۲ بهبود کارایی نظام عدالت کیفری.....	۳۲۰
۳- تحقیق و مدیریت اطلاعات برای راهبردها و سیاست‌های مستند.....	۳۲۰
۴. مها. حمایت‌های عمومی از اصلاحات.....	۳۲۱
اصطلاح‌شناسی.....	۳۲۲
اقدامات و معزات‌ها غیرسالب آزادی.....	۳۲۶
کتاب‌شناسی.....	۳۳۱
عمومی.....	۳۳۱
افزایش اعمال مجازات حبس و دالیل نتایج ازدحام جمعیت در زندان.....	۳۳۱
کاهش اعمال مجازات حبس نامشروع در زندان.....	۳۳۲
هزینه‌های زندان.....	۳۳۲
بازداشت پیش از محاکمه.....	۳۳۲
کمک‌های حقوقی و قانونی.....	۳۳۳
محکومیت.....	۳۳۳
حبس‌های ابد و طولانی‌مدت.....	۳۳۳
حبس‌های مربوط به مواد مخدر و سیاست‌های کنترل مصرف مواد مخدر.....	۳۳۴
دادگاه‌های مواد مخدر.....	۳۳۴
اقدامات و مجازات‌های غیرسالب آزادی.....	۳۳۴
گروه‌های خاص.....	۳۳۵
آزادی/عفو مشروط (پیش از موعد).....	۳۳۵
بازپذیری اجتماعی/تکرار جرم.....	۳۳۵
احداث زندان و زیرساخت‌های آن.....	۳۳۵
تارنماهای مفید.....	۳۳۶
دستور العمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها.....	۳۳۷

دستیابی به مدلی از مدیریت زندان‌ها و سیاست جنایی که در آن «زندان به معنای واقعی کلمه آموزشگاه نیکی‌ها شود»^۱ نیاز به کنکاش نظری و بهره‌گیری از تجارب موفق در مدیریت زندان دارد.

زندان به شکل کنونی و مجازات حبس، به دلیل عوارض و تبعات متعدد مترتب بر آن و نیز آثار سوئی که دامنه آن علاوه بر شهروندانی که به زندان می‌روند، برخانواده و اقارب آنان نیز برجا خواهد گذاشت، با ارزش‌ها و مبانی فقهی اسلام فاصله دارد. تلاش‌های ادامه‌دار در اصلاح مدیریت زندان، سیاست کاهش جمعیت کیفری و مجازات‌های جایگزین حبس در فصل نهم قانون مجازات اسلامی در سال ۹۲ و تصویب آیین‌نامه اجرایی آن در شهریور ۹۳، همچنین دستورالعمل ریاست محترم قوه قضائیه، آیت الله علم‌الهدی، رئیس‌جمهوری، مبنی بر ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان در شهریور ۹۵، مدلی در جهت دستیابی به هدف اصلاح امور زندان بوده است.

با این حال، وضعیت کنونی، علیرغم پیشرفت‌ها و دستاوردهای ارزشمند در حوزه زندان، با مطالبات و انتظارات رهبران نظام انقلاب (مدظله العالی) در تبدیل آن به آموزشگاه نیکی‌ها فاصله دارد و همچنان مذاقه عالمانه و تلاش بیشتر را می‌طلبد. مطالعه و واکاوی تجارب دیگر کشورها، بدون پیروی و تقلید کورکورانه از آنها می‌تواند مفید و راهگشا باشد. برای این مبنا مرکز مطالعات راهبردی، این معاونت کتاب پیش رو را که جمع‌بندی تجارب دیگر کشورها در مدیریت زندان، کاهش جمعیت کیفری و مجازات جایگزین حبس است ترجمه و در اختیار علاقه‌مندان گذاشته است. امید است ثمره زحمات همه عوامل، مقبول محققان و مدیران حوزه زندان و مرضی خداوند منان قرار گیرد. ان شاءالله

معاون راهبردی قوه قضائیه

محمدباقر ذوالقدر

مقدمه مترجمان

زندان تاریخچه بسیار دردناک و غم‌انگیزی در دنیا دارد. بدترین جنایتکاران و بهترین انسان‌ها هر دو به زندان افتاده‌اند، به همین دلیل زندان همیشه کانونی برای به‌ترین درس‌های سازندگی یا بدترین بدآموزی‌ها بوده است. از روزگاران قدیم بشر جایی را برای ضبط عناصر شرور و حفظ افراد جامعه از شرارت آنها اختصاص می‌دهد است و گاهی هم افراد خیرخواه جوامع بشری به فکر اصلاح حال آنان می‌افتاده‌اند. مثلاً در سال ۸۱۳ میلادی در مجمع روحانیون مسیحی روم مقررات مربوط به اداره زندان‌ها به تصویب رسید و تأکید شد که زندان‌ها باید جنبه ندامتگاه داشته باشند و رای نه به اهداف باید از زندانیان به صورت انفرادی نگهداری و به آنان کار دست داده شود و باید اجازه خواندن کتب مذهبی را داشته باشند. روحانیون مسیحی در زندان‌ها به ملاقات زندانیان می‌رفتند و با نصایح سودمند آنان را به راه راست هدایت می‌کردند.

در قوانین کیفری اسلام، علاوه بر اینکه برای جلوگیری از خلافکاری‌ها و حمایت از جامعه در برابر شرارت افراد شرور از راه‌های دیگری استفاده شده، به حکم ضرورت عقوبت زندان نیز به منزله کیفر ثانوی پذیرفته شده است، بدین معنی که زندان عقوبت ثانوی برای بزه‌کاران و گناهکاران محسوب می‌شود و آن در صورتی است که حدی برای مجرم تعیین نشده باشد. اگرچه زندان در اسلام عقوبتی ثانوی است و مدت زندان به نظر حاکم دادگاه بستگی دارد تا با توجه به جرم ارتكابی و درجه اهمیت آن و تنبیه و تأدیب مجرم، میزان و مدت آن را معین کند، امروزه طبق قانون مجازات اسلامی زندان از کیفرهای اصلی محسوب می‌شود و مدت و میزان حداقل و حداکثر قانون‌گذار پیش‌بینی می‌کند.

در عین حال باید گفت که زندان فی نفسه نه مطلوب است، نه معیوب، بلکه باید در این باره قائل به تفکیک شد. در مورد مجازات حبس و حبس‌زدایی باید گفت که زندان برای پاره‌ای مجرمان مفید است و برای عده‌ای دیگر نه تنها مفید نیست، بلکه زیان‌بار هم هست. زندان برای مجرمان یقه‌سفید یا مجرمانی که به صورت اتفاقی دست به ارتکاب جرمی زده‌اند، جنبه بازدارنده دارد؛ به حدی که بعضی از این گروه‌ها که معمولاً افرادی آبرودار و متشخص‌اند، حاضرند ضرر و زیان‌های متعددی را تحمل کنند ولی به اصطلاح یک شب را هم در زندان نمانند. رقبای هم عده‌ای هستند که زندان حکم استراحتگاه را برایشان دارد و به کلاس جرم‌آموزی و جرم‌افزایی تبدیل می‌شود و اینان هیچ‌گاه حاضر به تحمل مجازات جرمی یا شرف نیستند. لذا باید گفت که مسئولان قضائی و مدونان مقررات جزائی باید در نظر گرفتن همه جنبه‌های علمی موضوع که ذکر شد، به زندان‌زدایی پردازند.

علی‌رغم آنچه گفته شد، یکم نیست که مجازات زندان فی نفسه آثار و تبعات زیان‌باری دارد که اهم آن به شرح ذیل است:^۱

- زندان به مثابه محل فراگیری جرایم جدید. ایجاد زمینه‌ای برای حرفه‌ای‌تر شدن فرد زندانی به دلیل اختلاط و مصاحبت با کسانی که مرتکب جرایم گوناگون شده‌اند و بازآموزی جرایم مختلف بدین دلیل بود طبقه‌بندی مناسب که از جمعیت بالای زندانیان و عدم فضای مناسب و کافی برای اسکان زندانیان ناشی می‌شود، بخشی از آثار مجازات حبس است.

با توجه به اینکه معمولاً در زندان‌ها بزه‌کاران متعدد با جرایم مختلفی دور هم جمع می‌شوند، در حقیقت زندان به آموزشگاه عالی فساد تبدیل می‌شود. در این مکان زندانیان تجربه‌های خود را مبادله و در اختیار هم‌دیگر می‌گذارند و در واقع هر تبهکاری درس اختصاصی خود را به دیگران می‌آموزد. به همین دلیل

۱. محمد آشوری، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، نشر گرایش، ۱۳۸۲، ۴۴-۴۰؛ داوود محمدی، «حبس و جایگزین‌های حبس»، مجله اصلاح و تربیت، تیر ۱۳۸۲ - شماره

پس از آزادی از زندان بهتر و ماهرتر از گذشته به جنایات خود ادامه می‌دهد که متأسفانه گاهی با حفظ وحدت و تشکلی جدید همراه است.

- استقبال افراد ولگرد و بیکار از مجازات زندان. بسیاری اشخاصی که ولگرد و بیکاره‌اند و مورد نفرت کسان و بستگان خود قرار گرفته‌اند یا در جامعه جایی برای خود نیافته و کسب وجهه و احترامی هم نکرده‌اند. چنین افرادی در واقع با ارتکاب جرم، از رفتن به زندان استقبال می‌کنند و با این عمل خود علاوه بر ایراد زیان معنوی بر جامعه (به سبب کثرت وقوع جرم و انحطاط اخلاقی در جامعه) و رنج وارد آمدن زیان مادی به بودجهٔ مملکت به دلیل هزینه‌های مربوط به نگهداری ایشان، زندان می‌شوند.

- بیکار شدن افراد فعال جامعه. از دیگر تبعات کیفر زندان، محبوس شدن افراد فعال جامعه است. مجازات حبس ضمن آنکه در حین اجرا، باعث بیکار شدن یک عضو فعال جامعه، خارج شدن فرد زندانی از چرخهٔ اقتصادی کشور و تبدیل وی به مصرف‌کننده‌ای صرف در حبس قطعی می‌شود، پس از اتمام حبس نیز فرد موقعیت کاری قبلی خود را از دست می‌دهد و عضوی که در گذشته شغل و کار مشخصی داشته است اکنون باید مثل عضوی بیکار و سریار جامعه به حیات فردی و اجتماعی خود ادامه دهد که همین مسئله زمینه ارتکاب مجدد جرم و تکرار آن را فراهم می‌کند.

- مسئولیت‌پذیری و تبدیل زندانی به موجودی تن‌پرور. عدم جامعه‌پذیری بعد از آزادی از زندان به دلیل انس گرفتن با منزلت‌ها و آن که محیطی غیراجتماعی است، از دیگر تبعات حبس است. زندانی احساس می‌کند که در طول مدت حبس از امکانات رایگان و مجانی برخوردار می‌شود و به لحاظ بهداشت فردی، نیاز خوراک، پوشاک و مسکن برآورده می‌شود و دولت اجباراً حداقل نیازهای وی را تأمین می‌کند. این امر ضمن سوق دادن زندانی به تن‌پروری و بیکاری موجب از بین بردن حس مسئولیت‌پذیری در وی خواهد شد. همچنین ایجاد پیشینهٔ منفی در سوابق اجتماعی فرد مانع بازگشت عادی فرد به اجتماع و عامهٔ مردم و تشدید این حالت روانی می‌گردد.

- افتخارآمیز بودن زندان برای مجرمان حرفه‌ای. بسیاری از مجرمان حرفه‌ای محکومیت‌های متعدد و تحمل حبس‌های مکرر را برای خود افتخار می‌دانند و به موجب آن به سایر زندانیان فخرفروشی می‌کنند و لذا زندان با توجه به از دست دادن فلسفه وجودی‌اش، برای این قبیل افراد نمی‌تواند مجازات مناسب تلقی شود.

- تنافی زندان با اصل شخصی بودن مجازات‌ها. اگرچه در نظر اول چنین به نظر می‌رسد که کیفر حبس مجازاتی شخصی برای بزهکار محسوب می‌شود، با بررسی بیشتر درمی‌یابیم که مجازات زندان، بیشتر سبب مشکلات عاطفی و مالی برای اعضای خانواده زندانی می‌شود یا اینکه زمینه بروز مشکلات اخلاقی در خانواده زندانی، به وجود می‌آورد و علاوه بر تحمیل آثار منفی و زیان‌بار بر خانواده و فرزندان - بحرم باعث تخریب شأن و منزلت اجتماعی آنان می‌شود.

- ایجاد زمینه ابتلا به بیماری‌ها، وانحراف، خطر ابتلا به اقسام بیماری‌ها به‌خصوص امراضی مانند ایدز و ... است. در زندان‌ها، به مراتب بیشتر از سایر اماکن است، زیرا حضور انبوه زندانیان بی‌تناسب بودن تعداد زندانیان با امکانات بهداشتی و درمانی و استفاده از سرنگ‌های مشترک در زندان و بسیاری از عوامل دیگر زمینه‌گرفتاری زندانیان به انواع بیماری‌های مسری و خطرناک را بیش از پیش فراهم می‌کند. علاوه بر این وقوع احداثات و جرایم جنسی در میان زندانیان در کنار خرید و فروش و استعمال مواد مخدر در زندان و بعضاً روی آوردن به اعتیاد در زندان همواره زندانیان را تهدید می‌کند.

- تحمیل هزینه‌های سنگین به جامعه و دولت. از دیگر معایب زندان تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور مربوط به نگهداری زندانیان است. هزینه‌های مربوط به کارکنان زندان، مأموران مراقب، مددکاران، مخارج بهداشت و درمان و تغذیه زندانیان و مهم‌تر از همه ضرورت ساخت زندان‌های جدید و با توجه به تراکم جمعیت زندانی، همه و همه از عواملی هستند که هزینه‌های گزافی به دولت تحمیل می‌کنند، بدون آنکه آثار مثبتی در بازسازی و اصلاح مجرمان در پی داشته باشد.

- شکستن هیمنه مجازات و عدم بازدارندگی حبس. یکی از آثار استفاده بیش از حد از مجازات زندان، کاهش بازدارندگی و حالت اربعایی مجازات حبس به دلیل صدور آن حکم در موارد غیر ضروری و برای جرایم سبک و حتی غیر عمدی است و افراد پس از یکبار زندانی شدن دیگر ترسی از این مجازات نخواهند داشت و بازدارندگی از ارتکاب جرایم تقلیل خواهد یافت، که بازگشت مجدد بسیاری از زندانیان به زندان نشانه تحقق نیافتن هدف بازدارندگی است.

علاوه بر موارد مذکور آنچه باعث جدی تر شدن مشکلات ناظر به مجازات زندان می شود معضلات و مشکلات موجود در زندان هاست که حاکی از نرسیدن به اهدافی است که از مجازات زندان مدنظر است. مهم ترین محورهای این بحث عبارت است از:^۱

- تراکم جمعیت: ب ان ۱ و کمبود جا. علی رغم ۱۳ درصد کاهش در تعداد محکومان به زندان در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۳ و اقدامات فراوانی که در جهت کاهش جمعیت کیفری، حبس ناایر و بهره گیری از مجازات های جایگزین حبس انجام شده، همچنان کمبود فضای زندان، یکی از آسیب های جدی اصلاح و تربیت در زندان هاست.

- تأهل زندانیان. آمار به دست آمده نشان می دهد که بیش از ۶۴ درصد از جمعیت زندانیان را افراد متأهل تشکیل می دهند که ۵۱/۱۰۶ آن مردان و ۹۳/۲ آن زنان هستند و ۲۱/۶۴ درصد از متأهلان بیش از یک فرزند دارند که این امر نیز مشکلات فراوانی برای زندان ها و زندانیان به وجود می آورد. از جمله می توان به مواجهه با مشکلات خانواده ها، تقاضاهای فراوان مرخصی و ملاقات های تلفنی، حضوری و خصوصی اشاره کرد.

- غیر ممکن بودن طبقه بندی زندانیان. از جمله راه هایی که در اصلاح بزه کاران نقشی بسیار حیاتی و تعیین کننده دارد، طبقه بندی زندانیان است.

^۱ داوود محمدی، «حبس و جایگزین های حبس»، مجله اصلاح و تربیت، تیر ۱۳۸۲ - شماره ۱۶،

طبقه‌بندی زندانیان ممکن است بر اساس جرم ارتكابی، سن، سوابق کیفری یا سایر خصوصیات صورت پذیرد، اما غالباً با وضعیت کنونی زندان‌های کشور و کمبود فضای سرانه، به خصوص در شهرستان‌ها، عملاً طبقه‌بندی به شکل صحیح و منطقی امکان‌پذیر نیست.

طبقه‌بندی نشدن سنی زندانیان موجب تبدیل قانون‌های تربیتی به قانون‌های ضدارزشی شده است. بدیهی است در صورت طبقه‌بندی نکردن، زندان به جای نقش اصلاحی جایگاهی برای بدآموزی و یادگیری اعمال خلاف و تجربه‌های منفی بزه‌کاران حرفه‌ای و محلی برای فراگیری انواع گوناگون جرایم خواهد بود و بدین ترتیب سیاست اصلاح و تربیت که از سیاست‌های مهم سازمان زندان‌هاست، دچار نقص و ناموفق خواهد بود.

- فرسودگی ساختمان‌ها. ساختمان بسیاری از زندان‌ها قدیمی است، در مواردی قدمت چند دهه‌ها دارند و لذا ساختمان‌های قدیمی به تدریج فرسوده و مستهلک می‌شود و تا اتم‌اخیر نیز میزان استهلاک را بالا برده، به طوری که اغلب زندان‌های نوساز نیز تخریب شده است و همین عامل فرسودگی، سطح دانش پایین زندانیان، روش‌های ناقص جمع‌آوری و دفع زباله و فاضلاب باعث تجمع حشرات و جوندگان موزی در محیط زندان‌ها شده و مخاطرات بهداشت محیطی بالقوه‌ای را پدیدار کرده است.

- کمبود اعتبارات و مشکلات بهداشتی. در بسیاری از داورها، با توجه به تراکم زندان‌ها و اعتباراتی که برای نگهداری یک زندانی در نظر گرفته می‌شود، وضعیت بهداشتی و درمانی زندان‌ها نیز با وضع مطرب فاصله عمیقی دارد و لذا کمبود اعتبارات از طرفی و تراکم جمعیت زندان‌ها از طرف دیگر موجب بروز انواع بیماری‌های پوستی، مسری و گاه بیماری‌های خطرناکی مانند ایدز و هپاتیت می‌شود.

- کمبود اعتبارات و مشکل مراقبت پس از خروج. اگرچه مراقبت‌های پس از خروج از تمهیدات جدیدی است که در بازسازی و اصلاح مجرم نقش ارزنده و اساسی ایفا می‌کند و اخیراً نیز برای حمایت از زندانیان، مراکز مراقبت‌های پس

از خروج ایجاد شده است، اما این قسمت از فعالیت سازمان نیز به دلیل اختصاص ندادن بودجه کافی در دستیابی به نتایج مثبتی که از آن انتظار می‌رود تا حدودی ناکام مانده است و زندانی پس از آزادی با وضع نامناسب روحی و روانی و موقعیت نامطلوب معیشتی خانواده و هزاران مشکل دیگر مواجه می‌شود.

- جوانی جمعیت زندان‌ها، آمار نشان می‌دهد که اکثر زندانیان افرادی جوان هستند و در واقع بهترین دوران فعالیت و توانایی خود را در زندان سپری می‌کنند که این امر علاوه بر لطمه‌های جبران‌ناپذیری که به قشر فعال جامعه وارد می‌آورد، ممکن است خطرهای بالقوه‌ای را نیز از به لحاظ مراقبت و نگهداری و اصلاح آنان در برداشته باشد.

علاوه بر نکاتی که گفته شد مواردی همچون کمبود مأمور مراقبت، عدم کفایت اعتبارات و سرانه‌ها، کمبود مددکار نیز مشکلات را مضاعف می‌کند و ضرورت بازنگری در اصل مجازات زندان و میزان استفاده از آن را جدی‌تر و ضرورت استفاده از جایگزین‌های زندان را واضح و مبرهن می‌سازد؛ در عین حال جمع‌بندی ضرورت‌های به کارگیری ابزارهای جایگزین را می‌توان چنین برشمرد:

- کاهش بازدارندگی و حالت ارعابی مجازات - پس به دلیل دادن حکم زندان در موارد غیرضروری و جرایم سبک و غیره.
- تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور و گزاف نگهداری از زندانیان بر نهاد حکومتی و نهایتاً جامعه؛
- صدمات و آلام روحی برای فرد زندانی در نتیجه جداسازی وی از خانواده، بستگان و جامعه؛
- ایجاد پیشینه منفی در سوابق اجتماعی فرد و مانع شدن در بازگشت عادی فرد به اجتماع و عامه مردم؛
- کاهش آثار تربیتی و بازپروری به دلیل افزایش بیش از حد و غیرمعقول جمعیت زندانیان؛

- ایجاد زمینه‌ای برای حرفه‌ای‌تر شدن فرد زندانی به دلیل اختلاط و مصاحبت با مرتکبان به جرایم گوناگون؛

- بازآموزی جرایم مختلف به دلیل نداشتن طبقه‌بندی مناسب که از جمعیت بالای زندانیان و نبود فضای مناسب و کافی برای اسکان زندانیان ناشی می‌شود؛

- تحمیل آثار منفی و زیان‌بار بر خانواده و فرزندان محکوم و تخریب شأن و منزلت اجتماعی آنان؛

مسائل بهداشتی و بیماری‌های واگیردار و شیوع و گسترش بیماری‌هایی از قبیل ایدز، هپاتیت و سل و سایر بیماری‌های عفونی.

سوالی که در اینجا مطرح است این است که ویژگی‌های جایگزین حبس چیست؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان به مؤلفه‌های مهم اشاره کرد:

- جامع و مشارکتی به است. مجازات‌های اجتماعی کیفرهایی هستند که محدودکننده حقوق و آزادی‌ها، فردی‌اند و خصایصی اصلاحی دارند که در درون اجتماع برای گروهی از مجرمان با نظارت و مراقبت اجتماع و نهادهای مدنی اعمال و اجرا می‌شود. در مفهوم وسیع سیاست جنایی، تنها دولت به معنی نهادهای رسمی مختلف همانند دادگستری، وزارتخانه‌ها و... عهده‌دار پاسخ به پدیده مجرمانه نیستند، بلکه پاسخ‌های جامعه مدنی، نهادهای مختلف مردمی نیز به پاسخ‌های دولتی افزوده می‌شود زیرا مشارکت عامه مردم در سیاست جنایی به کارایی آن می‌افزاید. شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی، افزون بر رفع دل‌نگرانی مشروع در جهت بالا بردن کارایی آن، به این معناست که امروزه پیشگیری و سرکوبی بزهکاری از جمله اموری است که به همه افراد مربوط می‌شود. یکی از خصوصیات مجازات‌های جایگزین حبس جامعوی بودن آن است و محکوم مجازاتش را در اجتماع تحمل می‌کند.

- دوسویه و توافقی بودن. از مهم‌ترین خصیصه‌های مجازات‌های جایگزین حبس، دوسویه و توافقی بودن آن است؛ یعنی علاوه بر اراده مقام قضایی، اراده بزهکار نیز لازم است تا این جایگزین‌ها را بتوان اعمال کرد. این

رویکرد، اراده بزهکار را در عرض اراده مقام قضایی قرار می‌دهد و آن را از حالت عمودی و یک‌سویه خارج می‌کند و برای بزهکار در فرایند دادرسی نقشی فعال قائل می‌شود. بر این اساس بزهکاران یکی از طرفین توافق کیفری به شمار می‌روند و حق دارند که به بررسی ابعاد پیشنهاد مقام‌های قضایی مبادرت ورزند، چندان که پس از ارزیابی این پیشنهاد نسبت به قبول یا رد آن اظهار نظر کنند. به این ترتیب، بزهکاران به عنوان قبول‌کننده پیشنهاد مقام قضایی مثل دادستان می‌توانند در بستر توافقی‌شدن مداخله کنند. این موضوع به صراحت در قانون مجازات ا. م. ۱۳۹۲ پذیرفته شده است، ازجمله در ماده ۸۴ آمده است: «خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم... مورد حکم واقع می‌شود.» در ماده ۸۵، رضایت محکوم، شرط اعمال مجازات دانسته شده و در مورد سایر جایگزین‌ها (دوره مراقبت، جزای نقدی، روزانه، جزای نقدی) هرچند به صراحت در قانون نشده است، ولی تا موقعی که بزهکار اراده‌ای بر انجام آن نداشته باشد، مسلماً اجرای آن ممکن نیست و همان حبس اجرا می‌شود و مطابق تبصره ۳ ماده ۸۴ «در صورت عدم رضایت محکوم به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود».

- بازگشت‌پذیر بودن. یکی دیگر از ویژگی‌های جایگزین‌های حبس این است که بازگشت‌پذیر است و آن نیز در صورتی است که محکوم به تعهدات مقرر عمل نکند که در این صورت، همان مجازات اولیه که حبس است، دوباره به اجرا درمی‌آید. در واقع ضمانت ممانعت از عدم اجرای صحیح جایگزین‌های حبس، اعمال همان حبس مقرر در حکم است. طبق ماده ۷۰ ق.م.ا. «دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورات یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود.» همچنین مطابق ماده ۸۱ «چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورات دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک‌چهارم تا یک‌دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌گردد.»

- ممکن بودن تعلیق، تبدیل، تخفیف. از دیگر خصیصه‌های جایگزین‌ها این است که چنانچه به موجب مانع خارجی خارج از ارادهٔ محکوم یا به سبب معذوریتی مربوط به محکوم، امکان اجرای آن موقتاً ممکن نباشد، بتوان تعلیق کرد. مطابق مادهٔ ۸۲ ق.م.ا.: «چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرا نشده آن، بعد از رفع مانع اجرا می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد، مجازات اصلی اجرا می‌شود. همچنین طبق تبصرهٔ ۴ مادهٔ ۸۴ این قانون: «قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آن‌ها، انجام خدمات عمومی را به‌طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دو، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده - کم، پیشنهاد دهد.» مادهٔ ۸۰ ق.م.ا. تخفیف مجازات بعد از اجرایی شدن حکم را بیان کرده است. مطابق این ماده: «چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکم را اصلاح رفتار وی باشد، دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام، برای یک بار بقیه مدت مجازات را تا نصف تقلیل دهد.»

- عدم طرد مجرم از اجتماع. مجازات‌های جایگزین حبس باید طوری اعمال شود که مانع زندگی عادی محکوم نشود و فرد ضمن آنکه در اجتماع مثل بقیه مردم زندگی می‌کند، مجازات خود را نیز تحمل کند. مجازات‌های جایگزین محکوم احساس نمی‌کند از جامعه طرد شده است و خود را قربانی آن نمی‌داند، بلکه هنوز احساس مسئولیت نسبت به هموعانش در وی خاموش نشده و با گذشت زمانی مشخص به اجتماع برمی‌گردد. مطابق تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۸۴ ق.م.ا.: «ساعات ارائه خدمات عمومی برای افراد شاغل از چهار ساعت و برای افراد غیر شاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم شود.» همان‌طور که در این ماده تصریح شده، مجازات‌های جایگزین حبس نباید طوری اعمال شود که

مانع زندگی عادی محکوم شود و وی را به سختی اندازد و باعث فشار روانی یا اقتصادی بر او و خانواده و اطرافیانش شود.

با توجه به این نکات و نظر به سیاست جنایی اسلام، در جمهوری اسلامی ایران سیاست زندان‌زدایی خصوصاً در دهه اخیر علاوه بر اندیشمندان مرتبط با این موضوع، حتی مدنظر مسئولان عالی‌رتبه نظام نیز قرار گرفته و نسبت به آن موضع‌گیری شده است. مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان قوه قضائیه در هفتم تیرماه ۱۳۹۱ می‌فرمایند: «در آن مواردی که جرمی به معنای واقعی کلمه اتفاق نیفتاده است، نباید ما متوسل به زندان شویم ... در مجموعه قوه قضائیه کاری کنید که مجازات زندان به حداقل برسد؛ این احتیاج دارد به تدبیر. البته تدابیری اتخاذ شده؛ بعضی درست، بعضی نادرست - که نمی‌خواهیم وارد جزئیات و مسائلش بشویم - لیکن مجموعه زندان یک پدیده نامطلوب است؛ مشکلات زندان، تبعات زندان، تبعاتی که برای خانواده‌ها، تبعاتی که برای زندانی پیش می‌آید، تبعاتی که برای خانواده‌ها پیش می‌آید، تبعاتی که برای محیط کار پیش می‌آید. بنابراین سیاست قوه قضائیه را این قرار بدهید و دنبال کنید؛ فکر کنید، ادب کنید، علاج جویانه؛ یکی باید این باشد که مسئله زندان حل شود؛ هم از جهت اینکه جنبه مجازاتی زندان تبدیل نشود به یک شیء دیگر؛ دوم اینکه هرچه ممکن است، مجازات زندان کاهش پیدا کند و تبدیل بشود به مجازات‌های دیگر، تا تبعات زندان دامن‌گیر جامعه نشود.» همچنین ایشان در دیدار با مسئولان قوه قضائیه در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۹۰ گفتند: «باید با استفاده از افراد صاحب‌نظر و کارشناسان مجرب، برای مجازات‌های جایگزین زندان برنامه‌ریزی و طراحی شود ... این موضوع بسیار مهم و فراقانونی است که نیازمند اندیشه، علم و تجربه است.»

حضرت آیت الله شاهرودی رئیس سابق قوه قضائیه معتقد است: «مجازات زندان با این وضعی که فعلاً در کشور وجود دارد نه با مبانی شریعت اسلام تطبیق دارد و نه به مصلحت جامعه است، فقط کپی برخی از کشورهای خارجی است؛ خلاف حقوق بشر است؛ هزینه‌های بسیاری بر جامعه تحمیل می‌کند؛ مفساد فراوانی برای جامعه دارد؛ ضربه به روح زندانی و خانواده اوست. گاهی

خود زندانی راحت در زندان می‌گذرانند، خانواده او بیرون از زندان در فشار و عذاب به سر می‌برد. سارق که در زندان بماند زندان به شکل یک کارگاه آموزشی سرقت در خواهد آمد. استفاده از کیفر زندان ریشه در منش طواغیت دارد نه سیره اسلام ناب. این زندان‌های ساخته‌شده با قفل و زنجیر برای شرورها و اشخاص فاسدی است که در بیرون از زندان برای امنیت و سلامت جامعه مضر و خطرناک‌اند.»

ایشان در تاریخ ۸۶/۳/۲۳ در همایش بین‌المللی کاهش استفاده از مجازات زندان می‌فرماید: «سیاست‌های کیفری اسلامی باید به دقت مورد استخراج قرار گیرد. شصت‌های کیفر در اسلام خصوصاً در مورد زندان باید تعیین شود. همه می‌دانیم نه - جمهور اسلامی یک تجربه جدید مبتنی بر اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است و وظیفه اصلی و هدف محوری آن احیاء نظام‌های اسلامی و احکام اسلامی خصوصاً در ابعاد کلان اجتماعی است چرا که ابعاد فردی و احکام خرد قبل از برپایی جمهوری اسلامی هم عمل می‌شد؛ یعنی افراد مسلمان و مؤمن بودند و احکام فردی خود را عمل می‌کردند اما آنچه در قبل از انقلاب اجرا نمی‌شد، مربوط به بعد اجتماعی سیاسی و نظام‌های کلان بود که در اختیار حکومت‌های تابع افکار و اندیشه‌های غیر اسلامی بود. آنچه باید تحول چشمگیر و اساسی نظام جمهوری اسلامی در آن جوه کند، احیاء نظام‌های اسلامی است که در رأس آن نظام قضایی اسلامی قرار گرفته و محور سیاست‌ها و محور استراتژیک است که یکی از آنها نگاه اسلام به کیفر زندان است.»

همچنین ایشان مواضع متعددی نسبت به این امر داشته است. مثلاً: «ترجیح مجازات‌های بدنی از نظر حقوق بشری قابل اثبات است. خیلی بهتر از مجازات زندان است که امروز در دنیا معمول است، چون ضربه به روح زندانی و خانواده اوست و این خود خلاف حقوق بشر است. فلسفه مجازات‌های بدنی در حقیقت این بوده که کسی را زندان نکنند؛ کسی باید فلسفه مجازات‌های بدنی را تدوین کند و با آنچه امروز در جهان به عنوان مجازات عمل می‌شود، مقایسه کند. می‌گویند مجازات بدنی شکنجه است؛ این طور نیست، این تشابه لفظی است؛ باید

فلسفه آن را و فلسفه قصاص و ابعاد ارزشی آن را ارزش دنیایی و بشری، نه آخرتی، آن را تشریح کرد. باید دید سرانجام این فردی که به زندان رفته چه می‌شود؟ خانواده او به کجا کشیده خواهند شد؟ جامعه چقدر برای او هزینه پرداخت کرده؟ چند نفر از خانواده این شخص ضد دین و ضد نظام شده‌اند؟ (۸۰/۲/۹) «ما از یک طرف حدود خودمان را اجرا نمی‌کنیم می‌گوییم خشن است، فلان است و از یک طرف یک کاری می‌کنیم که صد برابر از آن خشونت بدتر است؛ به عنوان زندان حالا یا هر چیزی اصلاً ناپود می‌کند شخصیت یک شخصی را.» (۸۰/۳/۲۳) «چند ضربه شلاق وحشی‌گری است اما تمام جامعه را به آلودگی و فساد کشیدن حفظ حقوق بشر است! اینکه با حقوق بشر منافات دارد و هیچ فلسفه و خردی آن را قبول نمی‌کند. کدام منطق و عقل قبول می‌کند که ما چند ضربه شلاق را چون به سحر عشن است، نزنیم اما بپذیریم که همه جامعه آلوده شود؟ تمام مجازات‌های اسلامی از نظر حقوق بشری قابل دفاع است، ولی متأسفانه به جای اینکه در پی دفاع از آن باشیم همواره انفعالی عمل می‌کنیم و تا یک انتقادی مطرح شود، مجازات‌ها را تخریب می‌دهیم، تعزیرات را برمی‌داریم و جای آن زندان می‌گذاریم.» (۷۹/۶/۲۶). «در بخش مهمی به تمام قضات گفتیم که قاضی جایی که می‌تواند زندان ندهد حق ندارد زندان بدهد، فقط جایی که الزام قانونی دارد، زندان بدهد. اگر منخیرش کرده که زندان بدهد یا جریمه نقدی یا مجازات دیگری، حق ندارد زندان بدهد. با اینکه از نظر قضایی حق دارد و این دستور یک نوع دخالت در امور قضایی‌اش است ولی از ایشان حراش کردیم که در این شرایط خاص که قانون الزام کرده، بقیه را حکم زندان ندهد.» (۸۱/۸/۷)

حضرت آیت الله آملی لاریجانی ریاست قوه قضائیه نیز ضمن تأیید این سیاست معتقد است: «علی‌الاصول زندان مشکلات خاص خودش را دارد. اولاً نسبت به کرامت انسانی و محدود کردن اختیارات انسان و تحقیر شخصیت او. کسی را که شما در زندان قرار می‌دهید، بالاخره آن کرامت انسانی زیر سؤال می‌رود، شخصیتش محدود می‌شود، تخریب می‌شود، فی‌الجمله این را باید بپذیریم. ثانیاً مشکلاتی برای خانواده‌های اینها پیش می‌آید. بالاخره وقتی یک

پدری را از فرزندانش جدا می‌کنید، همسری را از همسری جدا می‌کنید، مشکلاتی برای طرف دیگر ایجاد می‌شود. بار سنگینی بر دوش نظام خواهد افتاد. نگهداری همین زندانی‌ها، دیگر شما بهتر از ما می‌دانید چه مقدار هزینه بر دوش نظام می‌گذارد. آن هم با همین وضعی که از لحاظ کیفیت مشکلات زیادی در آن وجود دارد، حد اداره حتی غذای زندانی الان با مشکل مواجه است، با همه این حرف‌ها باز هم باری که بر دوش حاکمیت دارد، بار سنگینی است.

پس یک طرف قضیه اصل ضرورت زندان است، طرف دیگر مشکلاتی که وجود دارد که برخی را عرض کردم و اگر احصا کنیم شاید چند ده مشکل بشود و بنابراین باید حاره‌ای کرد و اعتدال ایجاد کرد بین آن ضرورت و این مشکلات. باید اولاً کار را کنیم که عده‌ای احساس کنند زندان واقعاً یک مجازات است و دشواری‌های خودش را دارد و فکر نکنند آنجا هتلی است که می‌خواهند بروند زندگی کنند و باید همه آنجا را راحتی در آنجا باشد، یعنی حالت بازدارندگی زندان را باید حفظ کنیم. از طرف دیگر آثار و مشکلات زندان‌ها، آن هم باید به نحوی به اقل برسد. نمی‌توانیم بگوییم هیچ می‌شود ولی در هر حال باید به اقل برسانیم. بنابراین تعادل بین این دو که نیازمند یک ضوابط روشن و خاصی است، این مسیری است که باید طی بکنیم.

بحث زندان‌زدایی که به عنوان یک سیاست در دوره گذشته دنبال می‌شد، اصلش سخن کاملاً درستی است. ما در جرایمی که حبس و مانع جرم شمرده شده و مجازات‌هایی که برای این جرایم دیده شده واقعاً باید تجدید نظر کنیم. برخی از آنچه که جرم شمرده شده شاید واقعاً جرم نیاز نباشد که بشماریم و از آن بالاتر زندان، مجازاتی باشد که بر آن جرایم دیده شده. این هم قابل تجدید نظر است. اصل این سیاست که زندان یک امر عرضی است و یک امری است که از باب ضرورت تحمیل می‌شود به جامعه. این را باید بپذیریم چون ضرورت است، باید به طرف تقلیلش برویم. این حرف درستی است به نظر من.

امیدواریم این قضیه هم حل و فصل بشود. بنابراین سیاستی که دنبال خواهیم کرد این است که اولاً بحث زندان‌ها را تا جایی که ممکن است در قانون

تقلیل بدهیم، تا جایی که ممکن است. مقصودم این است که بازدارندگی زندان در جرایمی که لازم است حتماً زندان، این محفوظ بماند. ولی بقیه جرایمی که ممکن است بازدارنده‌های دیگری بدیل برایش پیدا بشود... مثلاً فرض بفرمایید در مورد بعضی از افراد باشخصیت اثر تأدییات اجتماعی و محرومیت‌های اجتماعی به مراتب مؤثرتر از زندان است. مثلاً یک معلم محترمی را، اگر او را از برخی فضاهاى آموزشی و سیاسى منعش بکنید، او واقعاً برایش سنگین‌تر از این است که زندان برود و همین‌طور شخصیت‌های سیاسى در کشور اگر محروم بشوند از فعاله‌های سیاسى، شاید برایشان سنگین‌تر از این باشد که به زندان بروند.» (بخشی از سخنرانی در همایش مدیران سازمان زندان‌ها ۸۸/۱۰/۱۶)

در راستای تحقق این اهداف به نظر می‌رسد بتوان راهکارهای ذیل را بتوان برای کاهش تعداد زندانیان پیشنهاد کرد:

- بازنگری در قوانین موجود و انجام اصلاحات لازم و کاهش عناوین مجرمانه؛
- توجیه و آموزش قضات در جهت حداکثر استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس برای جلوگیری از ورود بسیاری از افراد جامعه به محیط زندان؛

- حداکثر استفاده از ظرفیت‌های قانون مجازات اسلامی برای آزادی زندانیان واجد شرایط؛

- اعمال سریع ماده ۷۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص محکومانى که موفق به اخذ رضایت شاکی خصوصى شوند؛

- تسريع در رسیدگی و صدور حکم اعسار برای زندانیان مفلس و معسر از پرداخت؛

- اشتغال به کار و حرفه‌آموزی زندانیان در مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی خارج از زندان پس از آزمایش‌های لازم و تشخیص استعداد و ذوق و تخصص آنها؛

- اعطای مرخصی به زندانیان خصوصاً اعمال ماده ۱۲۲ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی؛

- استفاده از ماده ۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که به دادگاه‌های نظامی اجازه داده است که مجازات حبس را با توجه به مراتب جرم، امکانات خاکی و کیفیات مخففه به مجازات تعزیری تبدیل کنند؛

- تقسیط جزای نقدی محکومان به پرداخت جریمه؛

- تقویت ستادهای مردمی رسیدگی به امور دینه مستقر در استان‌ها و افزایش اعتبارات آنها؛

- تقویت مراکز مراقبت پس از خروج زندانیان خصوصاً در زمینه اطفال بزهکار؛

- تقویت انجمن‌های حمایت از زندانیان؛

- توسعه مشارکت و فعال کردن شوراهای حل اختلاف، نهادهای قضایی حکمیت و نهادهای قضایی؛

- معرفی و پیشنهاد زندانیان واجد شرایط به کمیسیون‌های عفو و بخشودگی، تا در مناسبتهای مختلف از طریق اداره کل عفو و بخشودگی قوه قضائیه بخشوده شوند؛

- تقویت واحدهای مددکاری و مشاوره به منظور مبارزه با بحران‌های فردی و خانوادگی مددجویان برای کمک به محکوم‌های خانوادگی زندانی و مذاکره و مشاوره با شکات در جهت اخذ رضایت و ایجاد ارتباط با مراجع قضایی برای استیفای حقوق قانونی مورد تقاضای زندانیان؛

- تأکید بر اقدامات فرهنگی و تربیتی و آموزشی در زندان‌ها در قالب محورهای مذهب‌درمانی، هنردرمانی، ورزش‌درمانی، با توجه به اینکه قطعاً محکومی که تحت تأثیر فرایندهای اصلاحی و تربیتی درون زندان پیرامون ترمیم کاستی‌های تربیتی و اجتماعی قرار گیرد، عمداً مرتکب بزه نخواهد شد؛

- جلوگیری از ورود معتادان به زندان؛ البته باید دقت لازم در تفکیک معتادان و خرید و فروش‌کنندگان مواد مخدر به عمل آید؛